

دلتنگی رایانه‌ای

● رویا صدر

رایانه‌ی عزیزم

سلام. سلامی چو بوی خوش آشنایی. چند روزی است که به مسافرت آمده‌ام و از تو دورم. امیدوارم چهار ستون دستگهت سالم باشد. تو خوبی؟ «ماوس» ات خوب است؟ «صفحه‌نمایش» ات سالم است؟ «کیس» ات سر حال است؟ باور کن دلم برایت یک میلیونیم گیگابایت^۴ شده، خدا نگذرد از رفیق بد که یک روز مرا از راه مدرسه به کافی‌نت برد و به تو معتادم کرد. البته رایانه‌ی ذغالی خوب بی تأثیر نبود!

حالا از شوخی گذشته، روزشماری می‌کنم که برگردم و صفحه‌نمایش ماهت را ببینم و بنشینیم با هم ساعت‌ها پفک بخوریم و فوتبال و «گیم»^۵ بازی کنیم. ظرفیت فضای دلم برای بازی با تو پر شده است. یادت هست که یکشنبه، نصفه شب نشسته بودیم و فوتبال بازی می‌کردیم هر چی مامان «کامند»^۶ می‌داد که می‌خواهم بخوابم، گوش نمی‌کردیم؛ یادت هست، تو که دیدی داری فوتبال را «گیم‌اور»^۷ می‌شوی، هی «شات داون»^۸ و «ری استارت»^۹ شدی تا جایی که من قاط زدم و کوبیدم روی صفحه‌نمایشت و بابا بیدار شد و من فکم پیاده شد تا ثابت کنم، تقصیر توست، ولی کو گوش شنوا؟ حالا گذشته‌ها گذشته، درست است که وقتی روی دنده‌ی «رور»^{۱۰} می‌افتی، پدرجدم را درمی‌آوری، ولی باور

کن یک روز که نمی‌بینمت، انگار «آپشن»^{۱۱} بی‌حوصلگی‌ام «آن»^{۱۲} شده است. نه حوصله‌ی بازی با بچه‌ها را دارم، نه حوصله‌ی مهمانی رفتن را و نه حوصله‌ی درس خواندن را. انگار تمام غم‌های دنیا توی دلم «سیو»^{۱۳} شده است، یادت هست وقتی مریض شدم و آن «ویروس»^{۱۴} لامصب را گرفتی، چه شب‌ها و روزها که پایت نشستیم، بلکه خوب شوی و هی بابا و مامان می‌گفتند مگر تو درس و مشق نداری؟ آن‌ها نمی‌دانند که چه قدر سر تحقیق درسی به تو بدهکارم. یادت هست که ظرف یک دقیقه، یک تحقیق توپ برایم ردیف کردی و بردم دادم معلم، نمره‌ی کامل گرفتم؟ مرسی واقعا. این لطف‌هایت را نمی‌توانم از مغزم «دیلیت»^{۱۵} کنم. یادم هست که چند تا مطلب را از چند جای دیگر سیو کردی و با «پاور پوینت»^{۱۶} هم تزئینش کردی که دیگر مولای درزش نرود. من هم فایلش^{۱۷} را کپی کردم دادم دست معلم. واقعا که گل کاشتی!

چه شب‌ها که یک لحظه «کانکت»^{۱۸} شدم تا از تو سؤال درسی بپرسم، تو مرام گذاشتی و ساعت‌ها نشست و با من فوتبال و «سیمز» بازی کردی و من تا آدمم چند تا وبلاگ بخوانم و چند تا فیلم و عکس و آهنگ «دانلود»^{۱۹} کنم و «گودرم»^{۲۰} را صفر کنم، دیدم صبح شده است و هنوز وقت



پی نوشت

- 1.Mouse
- 2.Monitor
- 3.Case
- 4.Gigabyte (یک واحد اندازه گیری برای (اتباری رایانه
- 5.Game
- 6.Command (فرمان و علامتی که کاربر به (برنامه می‌دهد که آن را آغاز یا تمام یا اجرا کند
7. Game over
8. Shut down
9. Restart
- 10.Error
- 11.Option
- 12.On
- 13.Save
- 14.Virus
- 15.Delete
- 16.Power Point
- 17.File
18. Connect
19. Download
20. Gooder reader (شبکه‌ای اینترنتی)

نکرده‌ام سراغ اشکال درسی‌ام بروم. یادت هست که با هم چند تا دزد و قاتل دستگیر کردیم و گوششان را بریدیم؟ یادت هست چند تا آدم را سر به نیست کردیم؟ چه قدر خانه آتش زدیم؟ چه قدر در سیمز خانه ساختیم؟ چه قدر به بشریت خدمت کردیم؟! آن وقت این مامان و بابای بی‌انصاف بند کرده‌اند به این که من ۲۴ ساعت نشسته‌ام پای تو و نه تنها یک تکانی به خودم نمی‌دهم و یا نمی‌روم یک شیری، نانی، چیزی بخرم، بلکه حتی باید با جرتقیل بلندم کنند بیاورندم پای میز ناهار و شام.

خب، زیاد حرف زدم. تا دیر نشده، بگردم یک کافی‌تی، چیزی پیدا کنم، این نامه را برایت ایمیل کنم تا به دست برسد، من را از حال خودت بی‌خبر نگذار.

نمکدان در نمک شوری ندارد

دل من طاقت دوری ندارد

قربانت و به امید دیدار